گپ‌وگفت خودمانی «وطن امروز» با بچه‌های گروه جهادی پزشکی

هر چقدر کار کنیم، کم است!

اولش چند دانشـــجوی پزشـــکی بودند که در یک اردوی جهادی شرکت کرده بودند اما امروز یک تیم چند صد نفره هستند که خودشان اردوهای جهادی برگزار می‌کنند؛ اردوهایی متفاوت از آنچه ما بیشـــتر از طریق رسانه می‌بینیم. قرار نیست یک هفته به یک منطقه محروم بروند، برگردند و تمام! آنها جهادی پزشـــکی انجام می‌دهند و به قول خودشان باید بیماران را فالوآپ کنند تا کار جهادی آنها به ثمر بنشیند، برای همین به جای اینکه ۱۰ جا را یک بار ســـر بزنند ۱۰ بار در یک جا خدمات می‌دهند. ناراحتند از اینکه بسیاری مثل آنها بی‌منت و مزد کار می‌کنند اما نهادهای مربوط از کمترین کمک‌ها هم دریغ می‌کنند. ناراحتند از اینکه مدیریت درستی در منابع کشور صورت نمی‌گیرد و کســـی به این محرومان توجهی نـــدارد. با تیم مدیریتی گروه جهادی پزشکی گفت‌وگویی صمیمانه داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

***

■ ســـلام عرض می‌کنم خدمت شما و اینکه زحمت کشیدید و آمدید ممنونم. بدون مقدمه می‌خواهم بحث را شروع کنم؛ اول خودتان را معرفی کنید.

رحمانی: من آریا رحمانی هستم، دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران، ورودی سال ۹۰. به قول پزشکی‌ها وارد استریج یا کارآموزی شده‌ام.

نوریه: محمدمهدی نوریه هستم، دانشجوی پزشکی ورودی سال ۸۷ دانشگاه‌شاهد.

تاجیک: دانشجوی پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی هستم، ورودی سال ۹۰ و در مرحله کارآموزی.

■ این گروه جهادی پس مختص به یک دانشگاه نیست، درست است؟

رحمانی: از ترکیب فعلی‌مان فکر می‌کنم مشخص باشد. نه‌تنها مختص به یک دانشگاه نیست بلکه مختص به دانشگاه‌های تهران هم نیست. ما در اردوهای جهادی که می‌رویم از دانشجویان پزشکی همه جای ایران داوطلب جهادی داریم.

■ این گروه جهادی از چه زمانی شروع به فعالیت کرده است؟

رحمانی: به صورت مستقل و مدون از اردیبهشت سال ۹۵ اما قبل‌تر از آن را دکتر نوریه می‌تواند توضیح دهد. اولین‌بار که من رفتم اردیبهشت بود، ۲ گروه پزشکی ۵ نفر بودیم؛ یک گروه سمت سه‌راه افسریه و یک گروه دیگر در جنوب منطقه ۱۵.

■ اصلا چگونه شکل گرفت؟

نوریه: از اساس اگر بخواهیم توضیح دهیم بازمی‌گردد به طرح جهادی که قرارگاه امام رضا در سال ۹۴ شروع کرد. اول اردوی جهادی کرمانشاه بود که یک بخشی از آن پزشکی بود، خب! ما هم شرکت کرده بودیم. بعـــد از آن در یک طرحی قرارگاه جهـــادی امام رضا در تهران مناطق پرخطر را شناسایی کرده بود که این پرخطر بودن هم جوانب مختلفی داشت؛ بخشی از آن آسیب‌های اجتماعی بود، بخشی فقر بود و بخشی هم بهداشت و درمان پایین. یکی از آن منطقه‌ها همین منطقه ۱۲ بود. بخش هرندی، مولوی، شوش، امامزاده یحیی و... آنجا قرارگاه جهادی امام رضا گفت هر کسی هر تخصصی دارد، تخصصش را در اختیار ما بگذارد تا به این مناطق رسیدگی شود و مستمر کار کنیم. کم‌کم که جلو رفت چند نیرو اضافه کردیم و به صورت اخص ورود کردیم در منطقه هرندی و پایگاه ما شد مدرسه «صبح رویش» که دقیقا آذر و دی ۹۴ کار را با ۲ پزشک پیش بردیم. یکسری از اساتید و دوستان هم کمک کردند، مثل خانم دکتر اقبالی که الان فارغ‌التحصیل شده‌اند و خیلی یادی‌مان دادند، دکتر درویشـــی، متخصص عفونی هم کمک کردند. بعد از عید نـــوروز همین کاری را که در منطقه هرندی انجام دادیم به عنوان یک طرح جامع‌تر برای دیگر نقاط تهران ارائه کردیم که مورد اقبال دوستان قرار گرفت و آمدند پای کار و نیرو جذب کردند، مثل همین دوستانی که الان اینجا حضور دارند.

■ خانم دکتر تاجیک! شما چطور جذب گروه شدید؟

تاجیـــک: قبـــل از اردوی چهاردهم و پانزدهم خـــرداد گروه جهادی پزشکی، تبلیغات این گروه را از طریق فضای مجازی دیدم و البته یکی از دوستان که عضو تیم بود از همان اول که دکتر نوریه گفتند، پیشنهاد داد که من دارم فارغ‌التحصیل می‌شوم، شما بیایید و جای من را پر کنید که من هم برای اردوی چهاردهم و پانزدهم خرداد رفتم و بعد هم پاگیر این جمع خوب شدم. حقیقتش هم این است که من کمتر فردی را در این یکـــسال دیده‌ام که آمده باشد یکی از اردوهای ما و امروز نخواهد به این مسیر ادامه دهد یعنی وقتی شما یک اردوی جهادی می‌روید و دغدغه‌های مردم را می‌شنوید و خوشحالی آنها را بعد از اردوی جهادی و چشـــم‌انتظاری آنها را برای جلســـات بعدی می‌بینید؛ دل‌تـــان نمی‌آید آنها را تنها بگذارید. اینکه می‌گویم البته حس شخصی من نیست، حرفی است که همه بچه‌هایی که با ما می‌آیند به این اردوهای جهادی می‌گویند.

■ از جزئیـــات اردوی چهاردهم و پانزدهم خرداد بگویید.

تاجیـــک: اردو قرار بـــود در محدوده امین‌آباد تهران برگزار شود که مجموعه‌ای شامل تقریبا ۱۰ روستاســـت و جمعیتی حدود ۵ هزار نفر دارد. ۳-۲ روز قبل از آن رفتیم از طریق قرارگاه جهادی امام رضا (علیه‌الســـلام) داروهایش را تامین کردیم. ایـــن اردو را با همکاری قرارگاه امام رضا انجام دادیم که در نهایت ۵۰۰۰ بیمار را ویزیت کردیم.

■ آقـــای دکتـــر رحمانی! می‌توانیـــد توضیحی دربـــاره فعالیت یک‌ساله‌تان بدهید؟

رحمانی: خب! یکی همین بحثی بود که خانم دکتر بخشـــی از آن را گفت. ما چهاردهم و پانزدهم خرداد رفتیم در مناطق محروم ورامین، ۴ تا اتوبوس پزشک بودیم. از همه طیفی هم بودند؛ از محله‌های خوب و بچه مایه‌دارهای تهران تا بچه‌های پزشکی همدان آمده بودند.

تاجیک: ما بچه‌هایی در این اردو داشتیم که با ناز بزرگ شده بودند. روز اول خودشان هم می‌گفتند این محیط برای ما قابل تصور نیست، قابل تحمل که دیگر اصلا نیست! اما همین بچه‌ها بعد از روز اول که فقر و درد آن منطقه را دیدند شب روی موکت توی نمازخانه مدرسه خوابیدند. دخترها به شکل طبیعی از سوسک می‌ترسند اما بعد از چند روز به آن فضا عادت کرده بودند. ما که در شرایط عادی زودتر از ۸ صبح از خواب بیدار نمی‌شدیم، هر روز ۶ صبح بیدار بودیم و تا ۸ شب یکسره در حال رسیدگی و ویزیت بودیم و ۸ شب هم دوباره می‌افتادیم. گوشی، اینترنت و... هم دیگر در کار نبود.

رحمانی: ما یک اردو که همان اردیبهشت داشتیم، بعد اردوی خرداد بود و بعد از آن در ماه مبارک رمضان ۲ اردوی جهادی داشتیم که یکی در شادآباد بود.

نوریه: اتفاقا آقا در عید فطر وقتی گفتند ما در این ماه مبارک داشتیم گروه‌های پزشـــکی‌ای که به مناطق محروم رسیدگی می‌کردند، ما به خودمان گرفتیم و خیلی خوشحال شدیم. [خنده حضار]

رحمانی: بعد از ماه مبارک اردوی پاکدشـــت را داشـــتیم و رسیدگی مردم آن منطقه که هم متخصص زنان داشـــتیم، هم روانشناس و هم بینایی‌سنجی و شنوایی‌سنجی با تجهیزات.

نوریـــه: البته جا دارد بگویم در این اردو کســـی به ما تجهیزات نداد و تجهیزات را خود این پزشکان محترم آورده بودند.

رحمانـــی: بعد از آن یک اردوی کرمانشـــاه را برنامه‌ریزی کرده بودیم که ۱۵۰ نفر از پزشـــکان هم ثبت‌نام کرده بودند اما آن کسی که آنجا قول داده بود شرایط را فراهم کند، کار را انجام نداد. ما گفتیم باید یک سیستم ارجاع داشته باشید که ما وقتی ویزیت و درمان اولیه را شروع کردیم، اگر ارجاع به متخصص می‌دهیم، شما کار ارجاع را انجام دهید که آنها این حداقلی‌ترین بســـتر را هم فراهم نکردند. بعد از ۸ شهریور بریدیم و بعد از آن به این سیستم جدید جهاد پزشکی رسیدیم که باید در یک منطقه برنامه‌ریزی کنیم برای مدت طولانی آنجا باشیم.

نوریه: ما منطقه اتابک را به عنوان پایلوت گذاشتیم. شناسایی نیازمندان آنجا را در دستور قرار داده و با همکاری خیریه‌های آن منطقه، موضوع را سامان دادیم. در حسینیه احسان‌الحسن آن منطقه شروع کردیم فالوآپ کردن بیمـــاران! چند هفته هر روز صبح جمعه تا غروب آنجا بودیم و رسیدگی می‌کردیم به وضعیت بیماران و تغییرات‌شان را هم مدنظر قرار داده و پرونده درست کردیم.

رحمانی: یکی از کســـانی که مثلا روز اول آمده بود و فشارش ۱۸ بود که واقعا خطرناک اســـت بعد از ۴ هفته ۱۲ روی ۸ بود که نرمال‌ترین بود. آنچه آنجا اتفاق افتاد علاوه بر درمان تعداد زیادی بیمار بی‌بضاعت، تشکیل یک پرونده پزشکی کامل از بیماران آن منطقه بود که امروز ما می‌توانیم هر نهادی که بخواهد آنجا یک کاری انجام دهد به آنها ارائه کنیم که دیگر کار را از صفر شروع نکند.

تاجیک: ما شروع کردیم از اینجا روی بحث پزشکی پایه سرمایه‌گذاری کردیم. مثلا در حوزه زنان ۳-۲ تســـت ســـاده هست که هر چند سال یکبار باید انجام شـــود و این تســـت‌ها جلوی بروز سرطان را می‌گیرد. خب! ما این را جزو فعالیت‌های اصلی هر دوره گذاشـــتیم. بحث فشار خون و قند خون را که مبتلابه و جزو مسائل شایع است نیز جزو درمان پایه گذاشتیم.

رحمانی: البته ما در کنار بحث پزشکی آنجا حوزه کارآفرینی را هم فعال کردیم که به لحاظ فعالیت اقتصادی بتوانیم آنها را به یک تکاپو و جنب‌وجوشی برسانیم.

■ تصورتان از اردوهای جهادی پیش از این چگونه بود و الان چه نگاهی به این موضوع دارید؟

نوریه: به نظر من مهم‌ترین خاصیت این اردوها ارتباط از نزدیک با مشـــکل اســـت. اگر مسؤول محترم ما هم از نزدیک با این مشکلات مواجه می‌شـــد که اتفاقا توصیه رهبری هم این است، دیگر آنقـــدر با خیال راحت نمی‌نشســـت یک گوشه!

رحمانی: تصـــوری که مـــن از اردوی جهادی داشتم و خیلی‌های دیگر هم مثل من دارند این است که این حرکت مختص قشر صرفا مذهبی و حزب‌اللهی است که چادری هستند و ریش‌دار! اما پس از نخستین اردو دیدیم که خارج از این اقشار هم می‌توانند بیایند و برای مردم کار جهادی کنند. اتفاقا استقبال خوبی هم شد.

نوریه: خیلی وقت‌ها یک اتفاق این اثرگذاری را دارد. مثلا همین اردوی آخرین ما در پیشـــوا که با کمک بسیج پیشوا برگزار شد، وقتی بچه‌ها می‌دیدند سپاه و بسیج این منطقه که واقعا هم بی‌بضاعت است، آمده‌اند پای کار و اینطور دارند زحمت می‌کشند، آن کسی که نگاه مثبتی به سپاه یا بسیج نداشت یا حداقل نگاه منتقدانه‌ای داشت، تصورش عوض شد. به نظر من وقتی نفس کار برای خدا باشد، جهت آدم‌ها و رفتارشان را هم خدایی می‌کند، این سنت الهی و لایتغیر است.

■ خانم دکتر! چرا معمولا در این اردوهای جهادی و اینهایی که من هم عکسش را دیده‌ام تعداد خانم‌ها عمدتا بیشتر است؟

تاجیک: مساله این اســـت که در حوزه پزشکی عاطفه خیلی مهم و موثر است و عمدتا این نگاه عاطفی است که پزشک را کمک می‌کند که جلو برود و برای آینده کار کند، اگر همین عاطفه نباشد با توجه به فشار سنگینی که رشته‌های پزشکی دارد، فرد خیلی سریع به‌اصطلاح می‌بُرد و خب! این عاطفه در بین خانم‌ها بیشتر است. اردوهای جهادی هم باعث ماندگاری آن خانم‌ها در گروه جهادی می‌شـــود و هم فرد با دیگر افراد اردوی جهادی رابطه صمیمی پیدا می‌کند، به قولی به یک درد مشـــترکی می‌رسند که حالا دوســـت دارند با همدیگر این درد را مداوا کنند. ما حتی داریم بین بچه‌ها کســـانی که آخر اردوی جهادی شماره شخصی از این بیماران می‌گیرند که به صورت شخصی هم هر کاری بتوانند برای آنها بکنند. جالب است که ما همواره در این یک‌سال مازاد تقاضای‌مان داوطلب داشته‌ایم و همواره یک عده‌ای ناراحت بودند که چرا این بار قسمت آنها نشده است بیایند و کمک کنند. این نکته را هـــم باید عرض کنم که ما در بین بچه‌ها خیلی‌ها را داشـــته‌ایم که تصمیم داشته‌اند بعد از دوره عمومی بروند خارج از کشور برای تخصص یا زندگی اما بعد از یک بار حضور در اردوی جهادی نظرشان عوض شده و گفته‌اند می‌خواهیم بمانیم و به درد مردم‌مان برسیم.

■ گروه‌تان سیستم جذب مدون ندارد که مثلا به فلان جا رجوع کنید برای ثبت‌نام و...؟

نوریه: ما کاملا جهادی پارتیزانی هســـتیم. [خنده حضار] خدا برکت بدهد به تلگرام، اینستاگرام و این شبکه‌های مجازی! ما پیام را در تلگرام می‌گذاریـــم بعد در گروه‌های مختلف توزیع می‌کنیم که بچه‌ها اعلام حضور می‌کنند. ما فقط یک حلقه ۵ نفره مدیریتی داریم که مستمر هستیم و جلسه داریم و بحث می‌کنیم که شامل ما ۳ نفر به علاوه خانم دکتر باباخانی و آقای دکتر امینی است.

■ شما به سمت ساختارسازی نرفتید؟

رحمانی: ما به سمت ساختارسازی رفتیم ولی آنقدر سنگ جلوی پای ما هست که حس کردیم از همین کاری که می‌کنیم هم می‌مانیم. ما رفتیم ان‌جی‌او بزنیم گفتند، بودجه اولیه می‌خواهد، مکان می‌خواهد، وقـــت خیلی زیادی را باید برای ثبت و... بگذاریم. حتی گفتیم اتحادیه دانشجویی بزنیم آن هم اول باید در دانشگاه دفتر بزنیم، بعد دفاتر داخل دانشـــگاهی را به هم متصل کنیم و یک دفتر اتحادیه‌ای بزنیم که این هم باز یک پروسه زمانبر است و اساسا وضعیت جامعه ما آنقدر بحرانی است که نمی‌شود به این فکر کرد که ما حالا چند وقت بیفتیم دنبال این چیزها تا همه چیز جور شود بعد شروع کنیم به کار کردن! ما الان بالاترین جذب نیرو را از طریق همین فضای مجازی داریم.

■ خب! یک بخشی برمی‌گردد به اینکه نهادهای مختلف که قرار است شما با آنها همکاری کنید شما را به رسمیت بشناسند، مثل همین بسیج پیشوا که اخیرا اردو داشتید؛ شناساندن خودتان به آنها و ایجاد اعتماد برای آنها با وجود داشتن یک نهاد رسمی آسان‌تر نیست؟

نوریه: اتفاقا اعتماد شکل گرفته و این تا به امروز کار سختی برای ما نبوده است، وضعیت آنقدر بد است که هر دستی برای کمک دراز می‌شود از آن طرف چند هزار دست محتاج دراز است و استقبال می‌کند.

■ خـــط قرمز هم دارید که با فلان نهـــاد کار بکنیم با فلان نهاد کار نکنیم؟

رحمانی: ما دو تا خط قرمز داریم؛ انقلاب و رهبری. کسانی که با این دو مشکل دارند طبیعتا سراغ ما نمی‌آیند ولی غیر از این هر نهادی که سراغ ما بیاید و همت بکند که کار جهادی بکند ما هم همپای آنها کار می‌کنیم. دیگر برای ما فرقی نمی‌کند وزارت بهداشت باشد که دست دولت آقای روحانی است، یا سپاه باشد یا بسیج باشد یا شهرداری باشد یا قرارگاه جهادی امام رضا. ما افرادی با عقاید و نگاه‌های متفاوت را در گروه داریم، البته کار جهادی و فعالیتی که ما می‌کنیم به شکل طبیعی روی نگاه و فکرشان اثر می‌گذارد و به آنها جهت می‌دهد.

نوریه: ما یک اردو در پاکدشت گذاشتیم که به دعوت از جمعیت امام علی بود؛ در مرکز خانه ایرانی پاکدشت که خیلی هم خوب بود. شناخت ما از فضای افغان‌ها را هم برای ما بیشتر کرد و حتی فهمیدیم جمعیت امام علی کجا دارد سرمایه‌گذاری می‌کند؟ و این هشدار را هم به دوستان ســـایر نهادها دادیم که مراقب باشـــند اما عده‌ای از این همکاری ما با جمعیت امام علی دلخور شدند، حال آنکه اگر جای دیگری شرایطی را برای خدمت‌رسانی فراهم می‌کرد ما پا عقب نمی‌کشیدیم. مثل بحث اربعین که قرارگاه امام رضا همه نیروهایش را فرســـتاده بود پیاده‌روی نجف تا کربـــلا و برای پیاده‌روی میدان امام حســـین تا حرم حضرت عبدالعظیم نیرو نداشت، به ما گفت و ما ایستگاه پزشکی زدیم در مسیر!

■ تفـــاوت اردوی جهادی پزشـــکی با دیگـــر حوزه‌های جهادی چیست؟

نوریه: اولین تفاوت در اردوی جهادی پزشکی مستمر بودن آن در یک منطقه اســـت. ۱۰ نفر در یک منطقه را باید ۴-۳ بار ویزیت کنی تا به نتیجه برسد. به قول ما پزشکان، بیمار را باید فالوآپ کرد تا تغییرات او را حس کنیم ولی متاسفانه آن ارگان‌هایی که هستند و کار هم می‌کنند متوجه این نیستند که جهادی پزشکی مثل جهادی مهندسی نیست که یک بار یک ساختمان را بسازد و برود منطقه دیگر؛ پیگیری بیمار باید دنباله‌دار باشد. حالا اینجا ما با یک معضل دیگر هم مواجهیم، چون این حضور مستمر آن اثر و مانور رسانه‌ای و پروپاگاندایی که بعضی از نهادها دوســـت دارند روی آن مانور بدهند را ندارد، در نتیجه گرایش و توجه به آن کمتر هم می‌شـــود. متاسفانه با وجود تلاش‌های خالصانه بچه‌های جهادی، ما با نهادهایی مواجهیم که برای‌شـــان مهم‌تر از کار جهادی، دادن بیلان کاری و گزارش اســـت و جایی برای‌شـــان بیشتر مورد توجه است که بیشتر ظرفیت رسانه‌ای کردن داشته باشد. همین رفتارهای نهادهای مختلف باعث شد ما کم‌کم مستقل شویم و کاری به این نهادها نداشته باشیم.

■ اردوی جهادی شما محدود به حوزه پزشکی است؟

رحمانی: وسط این اردوها یکسری طرح‌های دیگری هم اجرا می‌کنیم. ما اولین طرح‌مان «شرمســـار نباشـــیم» بود کـــه ۴ و ۵ آذر که هوا در تهران بشدت سرد شده بود انجامش دادیم. غذا پخش می‌کردیم بین کارتن‌خواب‌ها و همراهان بیمارها و بعد از آن دو شب همچنان هر هفته این توزیع غذا دارد انجام می‌شـــود. در آن ایام یک اتفاق خوبی افتاد و مساله همراه‌سرا از سوی شـــهرداری کلید خورد. البته توزیع غذا بین کارتن‌خواب‌ها را دیدیم کار ما نیست و آن را متوقف کردیم.

نوریه: ما گفتیم حوزه تخصصی‌مان را پیدا کنیم و واقعا کارتن‌خواب‌ها حوزه تخصصی‌مان نبود و خود آنها هم با ما همکاری نمی‌کردند. البته به نظرم یک مشکل کلی ما «مُد»ی شدن جامعه ایرانی است. یک روز مد می‌شود همه به گردوغبار خوزستان بپردازیم، بعد اتفاق پلاسکو می‌افتد و همه می‌رویم ســـمت پلاسکو یا کارتن‌خواب‌ها مطرح می‌شود همه می‌روند آن سمت یا موضوع گورخواب‌ها ... در حالی که اینطور مسائل نیاز به ورود جدی خیلی از دستگاه‌ها دارد؛ نیروی انتظامی، شهرداری، ســـازمان بهزیستی و... اینها باید درگیر شـــوند تا در این حوزه‌ها بشود کاری کرد.

■ خانم دکتر! طرح‌های آینده‌تان چیست؟

تاجیک: یک بحث «میهمانی مادر» اســـت که ما داریم الان بســـته غذایی برای خانواده‌هایی که محتاج بودند و شناسایی شده بودند تهیه می‌کنیم که شب عید به دستشان برسانیم. یک طرح پزشکی‌مان که فرهنگی است «تمکدون» است. برای جلوگیری از مصرف نمک و فشـــار خون که در پزشـــکی به عنوان قاتل خاموش مطرح می‌شود. همین نمک را ما از ســـفره پایین شـــهری‌ها بکشیم بیرون، خیلی از مشکلات حل می‌شود.

نوریـــه: این طرح‌های ما به خاطر این اســـت کـــه سیاســـت‌گذاری‌ها و ریل‌گذاری‌ها عمدتا غلط است. سرمایه‌گذاری چند صد میلیاردی انجام می‌شود برای ســـاخت بیمارستان قلب که عمدتا مراجعانش افراد سالخورده هستند اما برنامه‌ریزی برای آدم‌هایی که ۴۰ ســـال بعد به آن سن می‌رسند و اگر امروز درست رفتار کنند آن روز نیاز به بیمارستان قلب ندارند، نمی‌کنیم. مثلا طرح تحول ســـلامت همـــه هزینه‌اش را گذاشـــت برای شـــیک کردن بیمارستان‌ها در حالی که قرار بود به وضعیت حاشیه‌نشین‌ها رسیدگی شود.

تاجیک: رئیس‌جمهور آمد گفت همه حاشیه‌نشینان‌ها بیمه شدند، در حالی که هر جایی که ما رفتیم برای اردوی جهادی افراد دست‌شـــان نسخه آزاد بود و بیمه نبودند! وقتی به آنها می‌گوییم چرا بیمه نمی‌شوید؟ می‌گویند نمی‌شود! که با توضیحی که می‌دهند مقبول است.

نوریه: یا رئیس‌جمهور ناآگاه است یا باید عینکش را عوض کند اما این برای رئیس‌جمهور بد است که ادعایی را بکند که خلاف واقع است.

■ نقدهایی که می‌شود به سیستم جهادی آورد چیست؟

نوریـــه: یک نقد جدی‌ای که وجـــود دارد نگاه غیرتخصصی به اردوی جهادی است. فردی که اردوی جهادی مهندسی برگزار می‌کند می‌آید مسؤول اردوی جهادی پزشکی هم می‌شود. من مثال عرض می‌کنم؛ ما در تیم مدیریتی دندانپزشک نداریم صدها دندانپزشک در این اردوها تا الان مراجعه کرده‌اند که ما نپذیرفته‌ایم ولی الان طرف حســـابداری یا عمران خوانده، بعد می‌کنندش مســـؤول اردوی جهادی پزشکی! حالا بعضی جاها خیلی لطف دارند و می‌گویند نگاه تخصصی را وارد کنیم، دامپزشک می‌گذارند! [خنده حضار] حالا ما می‌گوییم برادر من! اینکه قرار است درمان شود انسان است، فرق می‌کند. وقتی غیرتخصصی شد به ۲ سمت می‌رود؛ یا صرفا می‌شود عکس و گزارش کار و رزومه یا اینکه متخصص ببریم صرفا که بگوییم متخصص همراه‌مان هست، در حالی که آنچه در اردوی جهادی پزشـــکی اولویت دارد در درجه اول آموزش بهداشتی و درمانی اســـت و در درجه دوم سیستم تشخیص و ارجاع. جدیدترین حرف‌های علمی و پزشکی را دانشجوی پزشکی می‌داند.

تاجیک: یک بحثی در نقد و بررسی باید بگوییم که هیچ جا نمی‌آید حمایت بکند. درست اســـت که ما به عنوان نیروی انسانی متخصص می‌رویم و رایگان کار می‌کنیم و افتخار هم می‌کنیم که داریم جهادی کار می‌کنیم اما این دلیل نمی‌شـــود که آن نهادی که موظف است به وضعیت محرومان جامعه رســـیدگی کند، آن نهادی که موظف است بحث بهداشت و درمان جامعه را انجام دهد، آن نهادی که موظف است وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه را سامان دهد؛ بی‌تفاوت باشد، حالا حمایت از گروه‌های جهادی که دیگر پیشکش دارد!

نوریه: یک بحث دیگر که به ذهن من می‌رسد این است که ما تلاش می‌کنیم همه چیز را انحصاری کنیم. مثلا الان تا بحث مدیریت جهادی می‌آید می‌گویند آن آقا نماد مدیریت جهادی اســـت ولاغیر! خب! این یعنی چه که همه چیز را در یک نفر خلاصه کنیم و نگذاریم اتفاقا کس دیگری آن کار را انجام دهد؟ اصلاحات را منحصر کردیم در یک دسته و گروه در حالی که نفس اصلاحات بد نیست، عدالت را منحصر کردیم در یک فرد و به خاطر آن فرد اصل عدالت را تخطئه می‌کنیم، پایداری و مقاومت را هم همچنین! ما چرا الان کمتر کمک می‌شـــویم، چون مســـتقلیم؛ وابسته به فلان آقا و فلان گروه نمی‌شویم. صرفا یک شعار داریم که «ما با هم متحد می‌شویم تا برکنیم ریشه فقر و تبعیض». ما در بین خودمان هم کاری نداریم که طیف سیاسی‌مان چیست، می‌گوییم همه آمده‌ایم یک کار جهادی کنیم! من به شما می‌گویم یک انسان به عنوان مدیر جهادی اگر باشد فقط مقام معظم رهبری است.

رحمانی: واقعا آن روز اول که ما می‌خواســـتیم کار کنیم گفتیم اصلا کی گفته همه باید چفیـــه بیندازند؟ کی گفته همه باید مطیع فلان مدیریتی باشـــند که یک عالمه انقلت به آن وارد است؟ ما صرفا برای خدمت‌رسانی به محرومان آمده‌ایم و هر کس با هر عقیده‌ای آمده باید بداند اینجا کار صرفا جهادی است و البته ما هر کسی را هم برای خدمت کردن می‌پذیریم.

نوریه: یک بحث رقابت تخریبی برای کار جهادی است. وزارت بهداشت تا دید شـــهرداری در حوزه اجتماعـــی دارد کار می‌کند، معاونت طب ســـنتی‌اش را تقلیل داد در سطح یک اداره کل، بعد معاونت اجتماعی راه انداخت که بگوید وزارت بهداشت هم در حوزه آسیب‌های اجتماعی کار می‌کند.

رحمانی: این در شرایطی است که کار در آنجا اصلا جوششی نیست! چون فرمایشی و دستوری است خیلی رونق هم ندارد، مثلا اینها اردوی ایلام بردند کلا یک مینی‌بوس نشدند! همان موقع برای اردوی کرمانشاه مـــا ۱۵۰ نفر اعلام آمادگی کرده بودند. ما هیچ امتیازی هم به کســـی نمی‌دهیم، در حالی که وزارت بهداشت کلی امتیاز هم می‌دهد.

نوریه: بیمه درمانی ایرانیان یا بیمه روستاییان را اکثرا دارند، خب! چرا در اردوهای جهادی پزشـــکی از اینها استفاده نمی‌شود؟ می‌شود شما هزینه هنگفت دارویی را که الان دارید می‌کنید در نظام پزشکی کشور، اینگونه جهت‌دهی کنید!

تاجیک: ببینید! ما در یکی از این دوره‌ها با یک نهادی همکاری کردیم، آنها گفتند دارو را ما در اختیار می‌گذاریم، روز اول هم دارو دادند، شب روز دوم دارو نرســـید، حـــالا تصور کنید مردمـــی را که به لحاظ مالی بی‌بضاعت هســـتند و به آنها وعده داروی مورد نیاز و رایگان داده شده است و یک روز هم دارو بوده و آنها امیدوار بودند، حالا روز بعد می‌آیند و دارو می‌خواهند و ما دارو نداریم؛ چه حسی به آنها دست می‌دهد؟

رحمانی: یک بحث در اردوهای جهادی همین عدم نقدپذیری است. مشکلی که وجود دارد این است ما می‌گوییم فلان نهاد انتقادپذیر نیست اما درکار جهادی که باید خالص‌ترین عمل باشد هم بسیاری حاضر به شنیدن نقد نیستند و همین عدم انتقادپذیری باعث شده خیلی جاها ما با هدررفت منابع مواجه باشیم.

تاجیک: وقتـــی این اردوها را می‌رویم هم خوشـــحالیم، هم ناراحت؛ خوشـــحالیم از اینکه داریم کمک می‌کنیم اما ناراحتیم که چرا اینقدر مشـــکل وجـــود دارد. آن چیزی که مـــن خودم حس کـــردم یکی از بزرگ‌ترین مشـــکلات ما عدم آموزش پزشـــکی و بهداشـــتی است و برنامه‌ای برای آن وجود ندارد. آموزش پزشکی و بهداشتی جلوی بسیاری از مشکلات را می‌گیرد و ما برنامه‌ریزی‌های‌مـــان را روی این حوزه زیاد کرده‌ایم. این چیزی که روندمان را بهتر دارد جلو می‌برد، دقیقا مستمر بودن برنامه‌های‌مان است.

■ چند تا محله را تا الان نرفته‌اید؟

نوریه: یک زمانی می‌گفتند خط فقر در تهران از فلان خیابان به پایین است اما من امروز می‌گویم خط فقر دیوار به دیوار اســـت. شـــما نگاه کنید، منطقه ۱۸ آن ســـمت خیابـــان و این طرف که یافت‌آباد است یا شهرری یا دولت‌آباد و صالح‌آباد، ونک و دهونک، فرحزاد و سعادت‌آباد؛ چسبیده به هم هستند اما به لحاظ سطح از زمین تا آسمان تفاوت دارند.

رحمانی: در کل می‌توان گفت خیلی بیشتر از این توانی که ما و بسیاری از گروه‌های جهادی دارند می‌گذارند مشکلات و محرومیت وجود دارد. باید بپرســـیم که نهادهای مختلف واقعا کجا هســـتند؟ کمیته امداد، شهرداری، بهزیســـتی و وزارت بهداشت کجا هستند؟ البته یک نقد هم به خود ما و خیریه‌ها وارد است. مثلا در همین محله‌هایی که ما می‌رویم، در این ۱۱ ماه ســـال هیچ‌کس هیچ کمکی نمی‌کند، بعد ایام عید می‌شـــود پشت به پشت ماشین خدمت‌رسانی می‌رود بســـته غذایی توزیع می‌کند. مساله ما توزیع منابع و مدیریت منابع است. ما خیلی منابع داریم که درست توزیع نشده است. حتی در ایام محرم و صفر و هر ایامی که نذری پخش می‌شود. این پخش نذری هیچ سامانی ندارد که خب، کجا الان نیاز به این غذای نذری دارد که به آن برسد؟ وقتی می‌گوییم توزیع درست نیست شما این را در منطقه به منطقه هم می‌بینید، هر چقدر به سمت مرکز تهران می‌آیید وضع بهتر است و هر چه از مرکز دور می‌شوید وضعیت بدتر می‌شود.

■ حرف آخری اگر بخواهید بزنید؟

نوریه: مســـؤولان محترم! بینی و بیـــن‌الله بیایید پای کار نه به خاطر انتخابات! نه به خاطر پست و مقام! به اسم‌های بزرگی که مکرر بر زبان می‌آورید مردانه بیایید پای کار و روراســـت باشید با مردم! اگر روراست باشید خیلی از مشکلات حل می‌شود.

تاجیـــک: فکر می‌کنم آقای دکتـــر نوریه حرف آخـــر را زدند، اینکه مســـؤولان با روراســـتی و صداقت بیایند پای کار برای رفع محرومیت از کشور!

رحمانی: همین‌هایی که دوستان گفتند کلی حرف است اگر اجرا شود.

■ تشکر از اینکه وقت‌تان را به ما دادید.

در حوزه پزشـــکی عاطفـــه خیلی مهم و موثر است و عمدتا این نگاه عاطفی اســـت که پزشک را کمک می‌کند که جلو بـــرود و برای آینده کار کند، ما در بین بچه‌ها خیلی‌ها را داشـــته‌ایم که تصمیم داشته‌اند بعـــد از دوره عمومـــی بروند خارج از کشـــور برای تخصـــص یا زندگی اما بعد از یک بـــار حضور در اردوی جهـــادی نظرشـــان عوض شـــده و گفته‌اند می‌خواهیم بمانیم و به درد مردم‌مان برسیم

اولین تفاوت در اردوی جهادی پزشکی مســـتمر بودن آن در یک منطقه است. ۱۰ نفـــر در یک منطقه را بایـــد ۴-۳ بار ویزیت کنی تا به نتیجه برســـد. به قول ما پزشکان، بیمار را باید فالوآپ کرد تا تغییرات او را حس کنیم ولی متاسفانه آن ارگان‌هایـــی کـــه هســـتند و کار هم می‌کنند متوجه این نیستند که جهادی پزشکی مثل جهادی مهندسی نیست که یک بار یک ســـاختمان را بســـازد و برود منطقه دیگـــر؛ پیگیری بیمار باید دنباله‌دار باشد